

شده است. این نوع اعتبارات امکان فراهم کردن وسایل و امکانات برای همه کسانی که قادر بکارند در اختیار آنها قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که قسمت معینی از تسهیلات تکلیفی به بخش تعاون اختصاص داده شده است و در سایر موارد نیز بخش تعاون همانند بخش خصوصی می‌تواند از اعتبارات اشتغال‌زایی استفاده کند.

۲. اغلب وام‌هایی که تحت عنوان وام‌های اشتغال‌زایی پرداخت می‌شود، وام بدون بهره نیست و بهره بسیار ناچیزی به عنوان کارمزد بانکی دریافت می‌شود این موضوع در حیطه شورای پول و اعتبار می‌باشد، البته نرخ بهره وجوه ارزی شده بسیار پایین است.

### بند ۳:

بند ۳ اصل قانون اساسی به این نکته اشاره دارد که شکل و محتوای ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. در این ارتباط نکات زیر حائز اهمیت است:

بر اساس قانون کار و قانون استخدام کشوری، ساعات کار برای هر فرد شاغل معین است و معمولاً در حدود ۴۸ ساعت در هفته می‌باشد که این زمان با استاندارد زمان کار بسیاری از کشورها هماهنگی دارد. همچنین در قانون کار پیش‌بینی شده است که امکانات ورزشی، تفریحی، آموزشی و سایر خدمات در اختیار نیروی کار قرار گیرد و علاوه بر آن در قانون برنامه سوم توسعه کلیه دستگاه‌ها ملزم به اجرای نظام آموزش پودمانی گردیده‌اند که این امر می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش کارایی و مهارت نیروی کار داشته باشد.

علیرغم تأکید بند ۳ اصل ۴۳ برای شکل و محتوای ساعات کار، تغییر بار تکفل و کاهش قدرت خرید دستمزد واقعی در سال‌های اخیر باعث بوجود آمدن پدیده‌های پرکاری (افزایش ساعات کار بیش از حد معمول) و چند شغلی در جامعه شده است. این پدیده‌ها، باعث ایجاد مسایل دیگری از قبیل عدم امکان پرداختن به انواع تفریحات، کم‌توجهی به مسایل خانوادگی و تربیت فرزندان، عدم توان کافی برای خودسازی

معنوی، سیاسی و اجتماعی و کاهش کارایی شده که این وضعیت با هدف بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی مغایرت دارد.

#### بند ۴:

در خصوص بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی که به طور کلی به آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین اشاره می‌کند، بایستی ذکر نمود به علت وجود بیکاری در کشور عموماً نیروی کار از درجه آزادی پایین برخوردار می‌باشد. در واقع هنگامی می‌توان عملکرد واقعی این بند را جویا شد که کشور در یک مسیر رشد بلند مدت اقتصادی قرار گیرد. در شرایط حاضر اصولاً نیروی کار به علت وضعیت اقتصادی موجود، چندان به نوع شغل توجه ندارد و این در حالی است که مسایل پایین بودن سطح آموزش‌های نیروی کار و نیز مهارت، منجر به تشدید این پدیده می‌گردد. از طرف دیگر در خصوص بهره‌کشی از نیروی کار نیز لازم است اشاره نمود که هر ساله سطح حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار تعیین می‌گردد که این امر می‌تواند تا حدودی از بروز پدیده فوق‌الذکر جلوگیری بعمل آورد و از طرفی نیز در قانون کار تسهیلات متعددی به منظور جلوگیری از تضییع حقوق نیروی کار فراهم آمده است.

#### بند ۶:

در رابطه با بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی که به منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اشاره می‌کند، مهمترین مورد در این سرفصل مسایل مربوط به مصرف انرژی در کشور است.

افزایش رشد شاخص شدت انرژی (بشکه به ازای هر میلیون ریال تولید ناخالص داخلی) نشان دهنده کاهش کارایی مصرف انرژی است که دارای روند مطلوبی نبوده، به صورتی که این شاخص از ۱۲/۵ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۴ در سال ۱۳۶۵ و ۳۷/۴ در سال ۱۳۷۵ و در نهایت به ۳۸/۵ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

در همین زمینه علی‌رغم اتخاذ سیاست راهبردی ضرورت اصلاح قیمت حامل‌های انرژی تا سطح قیمت آن در منطقه، به دلیل عدم اتخاذ تدابیر لازم، حداقل طی سال‌های

سپری شده از برنامه سوم، قیمت واقعی کل حامل های انرژی در سال ۱۳۸۰ در مقایسه با سال ۱۳۷۸ به طور متوسط در هر سال به میزان ۱/۳۳ درصد کاهش یافته، که این امر خود به عنوان عامل اصلی در مصرف حامل های انرژی بیش از اهداف پیش بینی شده در برنامه سوم توسعه بوده است، کل مصرف انرژی از ۷۶۶ میلیون بشکه نفت خام در سال ۱۳۷۸ به ۸۶۵ میلیون بشکه نفت خام در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است، در کنار مسایل عنوان شده بهینه سازی مصرف انرژی و ابعاد مثبت زیست محیطی و جلوگیری از اتلاف و هدر رفتن منابع انرژی قابل ذکر می باشند.

در خصوص اقدامات مهم دولت در جهت تحقق اهداف بهینه سازی مصرف انرژی و زیست محیطی، می توان به عرضه نفت گاز با درصد گوگرد پایین، ایجاد زمینه برای استفاده بیشتر از گاز فشرده طبیعی (NGI)، افزایش درصد استفاده از گاز در سبد مصرف انرژی و برق دار کردن چاه های آب کشاورزی بوده است. همچنین با اختصاص اعتبارات بهینه سازی انرژی، توسعه حمل و نقل بار راه آهن، گسترش خودروهای جمعی و افزایش حمل و نقل با مترو، افزایش تعداد صنایع استفاده کننده از گاز طبیعی، تأکید برنامه در اولویت گازرسانی به صنایع از سیاست های دیگر دولت در بخش انرژی برای بهینه سازی مصرف انرژی می باشند.

البته در زمینه بهینه سازی مصرف و کاهش شدت انرژی به عنوان دو چالش اساسی کشور، به رغم اجرای نسبی طرح های بهینه سازی و توسعه فعالیت های گازرسانی و جایگزینی گاز به جای مصرف فرآورده های نفتی، با توجه به عدم پیگیری اصلاح قیمت ها، مدنظر بوده است اما وجود مراکز متعدد تصمیم گیری و قیمت گذاری، ضوابط مختلف قیمت گذاری، عدم نظارت کافی و فقدان اختیار کامل نظارتی باعث شده تا قیمت واقعی کالا و خدمات ارایه شده دریافت نشود و زمینه را برای عدم دقت در مصرف به وجود آورد.

#### بند ۸:

بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی به طور کلی در خصوص جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور تأکید می کند.

در امور زیربنایی قدم‌های اساسی و مهمی برداشته شده است که به اجرای نسبی طرح‌های بهینه سازی، توسعه فعالیت‌های گازرسانی، جایگزینی گاز به جای مصرف فرآورده‌های نفتی و... می‌توان اشاره نمود، اما متأسفانه به دلیل عدم پیگیری اصلاح ساختار قیمت‌ها، راه کارهای پیشنهادی و سیاست‌های اجرایی تاکنون موفق نبوده است. شایان ذکر است که در فعالیت‌های مربوط به امور مختلف زیربنایی اعم از حمل و نقل، ارتباطات و مخابرات، مسکن و شهرسازی و انرژی تمامی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در راستای تحقق اهداف مصوب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده و منابع تأمین آن نیز به طور کلی امکانات اعتباری داخلی بوده است و طی سال‌های اخیر نیز با استفاده از تسهیلات ماده ۸۵ قانون برنامه سوم توسعه با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی در قالب بیع متقابل نسبت به بهره‌برداری از میادین مشترک از جمله میدان گازی پارس جنوبی، سلمان و نصرت و افزایش ظرفیت تولید اقدام شده است.

#### بند ۹:

بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین می‌کند، تأکید نموده است.  
در زمینه بخش کشاورزی عملکرد شاخص‌های مهم بخش به شرح زیر می‌باشد:

#### ۱- صادرات و واردات:

صادرات مواد خام کشاورزی در سال ۱۳۵۲ از رقم ۳۹۷ میلیون دلار به حدود ۸۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ رسیده است و صادرات محصولات صنایع غذایی از ۲۷/۹ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به ۱۸۱/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. نسبت سهم صادرات محصولات صنایع غذایی به صادرات مواد خام کشاورزی در سال ۱۳۵۲، ۷ درصد بوده است که این رقم به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ رسیده و سپس به ۲۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. افزایش رقم مذکور نشان از توسعه صنعتی در بخش کشاورزی می‌باشد.

میزان واردات گندم و برنج طی دوره فوق افزایش یافته است لیکن واردات ذرت و چای و گوشت به طور نسبی و علیرغم افزایش جمعیت کاهش یافته است (گوشت وارداتی، عمدتاً به مصرف واحدهای صنعتی می‌رسد) و واردات انواع شیر و پنیر نیز قطع شده است.

نسبت ارزش واردات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۷۹ به سال ۱۳۵۹ بالغ بر ۱۰/۵ برابر و صادرات طی دوره فوق بالغ بر ۴/۵ برابر افزایش یافته است. سرانه واردات از ۴۳ دلار به ۳۸/۲ دلار کاهش و سرانه صادرات از ۴/۶ دلار به ۱۲/۲ دلار افزایش یافته است. ارقام مذکور نشان دهنده افزایش و بهبود شاخص خودکفایی در تأمین مواد غذایی مورد نیاز کشور است.

## ۲- سطح زیر کشت و تولیدات زراعی و باغی:

سطح زیر کشت آبی از ۴۲۶۵ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۵۶۴۸ هزار هکتار در سال ۱۳۶۹ و سپس با اندکی کاهش به ۵۵۲۴ هزار هکتار در سال ۱۳۸۰ رسیده است. معهداً مقایسه تولید در واحد سطح نشان می‌دهد که متوسط تولید در هکتار از ۴/۲ تن در هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۷/۴ تن در هکتار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. سطح زیر کشت دیم از ۶۸۴۷ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۵۴۹۶ هزار هکتار در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است ولی میزان تولید افزایش داشته است. تولید محصولات دیم زراعی به طور متوسط از ۶۵۹ کیلوگرم در هر هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۹۹۷ کیلوگرم در هکتار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

سطح زیر کشت محصولات باغی از ۸۰۴/۱ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۲۱۱۸/۱ هزار هکتار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است و تولیدات در دوره مذکور از ۴۰۲۹ هزار تن به ۱۲۵۸۴/۱ هزار تن افزایش داشته است.

## ۳- تولیدات دامی و آبری:

تولید گوشت قرمز از ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۵۹ با متوسط نرخ رشد سالانه ۳

درصد به ۷۴۳ هزار تن، گوشت مرغ از ۲۲۰ هزار تن با متوسط نرخ رشد سالانه ۶/۷ درصد به ۸۸۵ هزار تن، تخم مرغ از ۲۰۰ هزار تن با متوسط نرخ رشد ۵/۲ درصد به ۵۸۰ هزار تن و تولید شیر از ۲۷۵۰ هزار تن با متوسط نرخ رشد ۳/۶ درصد ۵۷۴۸ هزار تن در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته‌اند. بخش قابل توجهی از افزایش تولید گوشت قرمز و شیر خام طی سال‌های گذشته براساس توسعه واحدهای صنعتی و نیمه صنعتی دامپروری رخ داده است و تولید گوشت مرغ و تخم مرغ با تکمیل فرآیند صنعت طیور در کشور انجام یافته است به طوری که هم‌اکنون به جز واردات دان، بخش اعظم نهاده‌های این صنعت در داخل کشور نیز تولید شده و ظرفیت‌های بالقوه‌ای (در صورت ایجاد شرایط مناسب برای تولیدات مطابق با استانداردهای بین‌المللی) برای صادرات این زیر بخش ایجاد شده است.

تولید در زیربخش شیلات از ۴۴/۲ هزار تن در سال ۱۳۵۹ با متوسط نرخ رشد سالیانه ۱۱ درصد به ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۸۰ رسیده است.

#### ۴- شاخص‌های کلان زیربخش جنگل و مرتع و آبخیزداری:

عملیات جنگلکاری از ۹۸۰ هکتار در سال ۱۳۵۹ به ۴۳۰۰۰ هکتار در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است، تهیه طرح مرتع‌داری از ۳۹۴/۴ هزار هکتار با نرخ رشد متوسط سالیانه ۵ درصد به ۱۱۰ هزار هکتار، عملیات تثبیت شن‌های روان از ۱۸/۹ هزار هکتار با نرخ رشد سالیانه ۱۵/۴ درصد به ۳۸۵ هزار هکتار، عملیات آبخیزداری از حدود ۸۷/۷ هزار هکتار با نرخ رشد متوسط سالیانه ۱۰/۹ درصد به ۷۰۰ هزار هکتار در سال رسیده‌اند.

در این زیربخش برداشت چوب از ۱۷۱۳ هزار متر مکعب تا ۱۳۰۰ هزار متر مکعب کاهش یافته است. برداشت چوب دارای فراز و نشیب بوده و از روند مشخصی تبعیت نمی‌کند. ضمن این که بهره‌برداری‌های غیررسمی و قاچاق چوب باعث کاهش پتانسیلی تولید چوب در جنگل‌ها گردیده است.

تخصیص حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات بانکی به بخش کشاورزی (بند‌های الف و

ب ماده ۱۰۶ قانون برنامه سوم)، ساماندهی کشاورزی در تشکلهای تعاونی تولید و گسترش یکپارچگی ساری اراضی و برنامه ریزی برای یکجاکشتی و بستر سازی برای ورود دانش آموختگان کشاورزی به عرصه تولید (بند ۵ - ماده ۱۰۹)، حفاظت از منابع پایه تولید (بند ب ماده ۱۰۸ و بند ج و ز ماده ۱۰۹) ادامه خرید تضمینی برخی از محصولات کشاورزی و گسترش فعالیت های بیمه ای محصولات کشاورزی به منظور کاهش ریسک تولید محصولات از سیاست های اتخاذ شده در بخش کشاورزی به منظور افزایش تولید در سال های اخیر بوده است.

جهت گیری های کلی بخش صنعت و معدن مطابق مفاد قانون برنامه سوم کاهش تصدیق ها، حذف انحصار و خصوصی سازی، منطقی ساختن هزینه نهاده ها برای تقویت رقابت بخش های تولیدی، سازماندهی جغرافیایی واحدهای صنعتی و توسعه صنایع مبتنی بر فن آوری نو می باشد.

بهبود نسبی شرایط فعالیت اقتصادی و سیاست های دولت در جهت تعدیل مالیات ها و عوارض و مقررات زدایی از کسب کار، بهبود وضع مالی دولت و مازاد حساب جاری کشور، همراه با ثبات قیمت ها و نرخ ارز باعث رشد مطلوب و در حد اهداف برنامه سوم در بخش صنعت و معدن در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ شده است.

بر اساس جدول ۲، روند تولید محصولات منتخب صنعتی که مصداق نیازهای عمومی صنعتی می باشد، طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، به طور کلی افزایشی بوده است. در طی این سالها تولید شیر، روغن و قند و شکر نوسان داشته ولی از روند ملایم افزایشی برخوردار بوده است. تولید در زمینه های دیگر هم چون ماشین آلات، سیمان، شیشه و لوازم خانگی از رشد مطلوبی برخوردار بوده است.

جدول ۲- روند تولید برخی از کالاهای منتخب مورد نیازهای عمومی طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۷۶

ردیف	نام محصول	واحد	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	شش ماهه اول ۸۱
۱	شیر پاستوریزه	هزار تن	۶۵۹/۲	۶۳۷	۶۱۰/۸	۶۱۵	-	-
۲	روغن نباتی	هزار تن	۷۹۷/۵	۹۹۲	۹۷۴/۴	۱۱۵۶	۱۱۴۳	۵۳۴
۳	قند و شکر	هزار تن	۵۸۵	۶۴۳	۸۰۹/۵	۶۵۰	۷۶۵	-
۴	فروش ماشینی و موکت	هزار مترمربع	۹۴۰۰۰	۹۲۰۰۰	۱۱۲۰۰۰	۱۱۳۷۰۰	۳۶۰۰۰ <sup>+</sup>	۵۵۴۱۸/۳
۵	کاغذ و مقوا	هزار تن	۲۴۶/۵	۳۱۱/۵	۳۶۶/۴	۳۸۸/۳	۴۰۵	۲۰۳
۶	پودر شوینده	هزار تن	۲۴۰/۵	۲۸۸/۷	۲۹۰/۶	۳۵۲/۵۲	۳۶۸	۱۷۵
۷	لاستیک خودرو	هزار تن	۱۴۳	۱۳۸	۱۵۱/۴	۱۶۲/۶	۱۷۲	۸۳/۶
۸	شیشه جام	هزار تن	۲۶۳/۳	۲۵۳/۴	۲۹۸/۱	۳۵۷/۵	۳۹۶	۱۹۲/۶
۹	سیمان	هزار تن	۱۹۴۷۰	۲۰۱۵۰	۲۲۰۸۰	۲۳۸۸۰	۲۶۰۰۰	۱۳۴۱۳
۱۰	کولر	هزار دستگاه	۳۹۰	۴۷۰	۴۵۳	۴۹۳	-	-
۱۱	یخچال و فریزر	هزار دستگاه	۱۱۳۰	۱۲۰۰	۱۲۳۶	۱۲۳۱	-	-
۱۲	تلویزیون رنگی و سیاه و سفید	هزار دستگاه	۷۸۵	۸۳۲	۹۵۲ <sup>⊖</sup>	۸۹۰ <sup>⊖</sup>	-	۳۳۱/۸ <sup>⊖</sup>
۱۳	انواع وانت	دستگاه	۲۴۱۶۸	۳۲۵۸۲	۳۸۳۵۳	۳۴۲۰۰	۴۳۰۰۰	۲۵۳۵۹
۱۴	انواع سواری	دستگاه	۱۳۵۸۹۶	۱۵۷۰۱۷	۱۸۷۷۸۷	۲۴۹۰۷۶	۳۲۱۰۰	۱۲۸۹۶۳
۱۵	انواع مینی بوس	دستگاه	۱۳۱۴	۵۰۵	۹۲۸	۲۹۰۶	-	۶۸۵
۱۶	انواع اتوبوس	دستگاه	۹۳۷	۲۲۰۲	۳۸۶۰	۲۴۶۸	-	۶۰۰
۱۷	انواع تراکتور	دستگاه	۲۶۹۰	۴۵۰۳	۵۰۰۱	۸۱۴۱	-	۵۶۷۳
۱۸	کمباین	دستگاه	۲۰۱	۲۵۲	۲۹۳	۳۳۵	-	۱۵۴

⊖- آمار فقط مربوط به تولیدات تلویزیون رنگی است.

+ - آمار فقط مربوط به فروش ماشینی است.



## اصل ۱۶۸ قانون اساسی

### بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵۸۷

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای کروی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

همان طور که استحضار دارید طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد، این اصل قانون اساسی در زمینه جرایم سیاسی تاکنون اجرا نشده است و علت آن هم عدم تصویب قانونی است که باید شرایط و اختیارات هیأت منصفه و نیز تعریف جرم سیاسی را بر اساس موازین اسلامی به گونه ای که در ذیل اصل مزبور آمده، تعیین کند، با توجه به مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی، طبق اصل ۱۱۳ و با عنایت به این که لایحه جرم سیاسی چند سال پیش توسط دولت و قوه قضائیه تهیه و به مجلس ارسال شده، و در مجلس نیز ظاهراً به صورت طرح مطرح گردیده است، دستور فرمایید اقداماتی که در زمینه تصویب قانون عادی و عملی ساختن اجرای اصل فوق الذکر بعمل آمده و وضعیت موجود لایحه یا طرح پیشنهادی جهت استحضار ریاست محترم جمهوری به این هیأت ارسال شود.

با تشکر

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۲۲۱۶

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۸

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

عطف به نامه شماره ۳۵۸۷-۸۱/مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ اعلام می‌دارد؛ طرح هیأت منصفه پس از تصویب مجلس با ایراد شورای نگهبان مواجه گردیده و پس از چهار بار اصلاح برای پنجمین بار در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱ به شورای محترم نگهبان ارسال گردیده که مهلت پاسخ تاکنون سپری نشده است.

مهدی کروی

رییس مجلس شورای اسلامی

از طرف بهزاد نبوی

## اصل ۱۷۱ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵۸۹

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای شیرج

ریاست محترم نهاد قوه قضائیه

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسئولیت رئیس جمهور، دستور فرمایید اقداماتی که در زمینه اجرای اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ساز و کارهای مربوط به جبران خسارت مادی و معنوی افراد در اثر تقصیر و یا اشتباه قاضی بعمل آمده، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱/۸۱/۱۵۱۶۴

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۴

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۳۷۹۵ مورخ ۸۱/۷/۲۷ در خصوص اقدامات انجام یافته در زمینه اجرای اصل ۱۷۱ قانون اساسی مراتب از دادگستری استان تهران استعلام گردید. پاسخ واصله از معاون رییس کل دادگستری استان تهران و سرپرست مجتمع قضایی شهید مظهری حاکی است که تاکنون در مورد اجرای اصل ۱۷۱ قانون اساسی مورد خاصی مشاهده نشده است؛ پس از وصول پاسخ از بقیه مجتمعها متعاقبا اعلام می گردد.

محمود شیرج

رییس نهاد قوه قضاییه

وخلیفه دسوار نظارت بر اجرای قانون اساسی

۱۹۰

بسمه تعالی

شماره ۱/۸۱/۱۵۸۲۲۲

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۲۱

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

عطف بنامه شماره ۲۵۸۹-۸۱ مورخ ۸۱/۴/۱۲ به پیوست تصویر جوابیه شماره

۵۰/۴۵۴۲ مورخ ۸۱/۸/۱ رییس کل محترم دادگستری استان تهران جهت ملاحظه ارسال

می‌گردد.

محمود شیرج

رییس نهاد قوه قضائیه

www.KetabFarsi.com

بسمه تعالی

شماره ۵۰/۴۵۴۳

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱

جناب آقای شیرج (دام عزه)  
ریاست محترم نهاد قوه قضاییه

با سلام و تحیات:

بازگشت بشماره ۱/۸۷۷۵۲۳ ۸۱/۴/۲۷ در مورد اجرای اصل ۱۷۱ قانون اساسی (جبران خسارت وارده به افراد ناشی از اشتباه قضایی) از تمامی واحدهای قضایی تابعه دادگستری استان تهران اعم از مجتمع‌های قضایی، دادگستری‌ها، دادگاه‌های عمومی بخش‌ها استعلام گردید. در پاسخ به اتفاق اعلام نمودند. در زمینه اجرای اصل فوق‌الاشعار تا بحال هیچ‌گونه درخواستی برای مطالبه یا جبران خسارت به آن واحد ارایه نگردیده. مراتب جهت استحضار حضرت عالی اعلام می‌شود.

عباسعلی علیزاده

رییس کل دادگستری استان تهران

## بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

### بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۶۱

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۴

جناب آقای شیرج

ریاست محترم نهاد قوه قضائیه

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ و مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی و با عنایت به ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، دستور فرمایید اقداماتی که در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از سوی قوه قضائیه صورت گرفته و نتایجی که به دست آمده و موانع و مشکلاتی که احیاناً در این راه وجود داشته است را جهت استحضار ریاست محترم جمهوری به این هیأت ارسال نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱/۸۱/۱۴۲۵۹

تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱

جناب آقای دکتر حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۲۶۶۱ مورخ ۸۱/۵/۱۴ بنا بر اعلام شورای عالی توسعه

قضایی در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی:

- ۱- انجام برنامه تحقیقاتی در زمینه توسعه ساختار عدالت کیفری
- ۲- تشکیل شورای عالی توسعه قضایی در راداندازی کمیسیون‌های سیاست جنایی و قوانین کیفری به منظور تهیه لوایح مناسب کیفری و با عباتی پیشگیرانه
- ۳- انجام برنامه‌های اصلاحی و پیشگیرانه در سازمان زندان‌ها
- ۴- تأسیس مراکز پس از خروج در سازمان زندان‌ها
- ۵- اقدام برای تأسیس معاونت پیشگیری از وقوع جرم
- ۶- آموزش قضات

از اهم تلاش‌های قوه قضاییه در اجرای بند ۵ اصل مذکور می‌باشد مهمترین

مشکلات و موانع عبارتند از:

- ۱- عدم وجود یک مرکز ملی برای اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم
- ۲- فقدان یک سیاست ملی پیشگیری از جرم
- ۳- فقدان بودجه مستقل پیشگیری از جرم
- ۴- عدم حساسیت و توجه عمومی به مسأله پیشگیری از جرم ضمناً زمانی می‌توان به موفقیت برنامه‌های پیشگیری از جرم امیدوار بود که این برنامه‌ها در قالب یک طرح ملی و همه جانبه باشد و علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، مانع از بزه دیده شدن جامعه نیز باشد.



این طرح دارای مشخصات و اهدافی است که هم‌اکنون در دبیرخانه شورای عالی  
توسعه قضایی در شرف تهیه و تدوین می‌باشد.

محمود شیرج

رئیس نهاد قوه قضاییه

## اصل ۸ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱۳۵۹۴

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی  
معاون محترم حقوقی و امور مجلس رییس جمهور

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسؤولیت رییس جمهور، دستور فرمایید اقداماتی که در جهت تدوین قانون برای اجرای اصل هشتم قانون اساسی بعمل آمده است، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱۷۹۶۰

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۲

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۱-۳۵۹۴ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ در رابطه با تهیه پیش نویس طرح اجرای اصل هشتم قانون اساسی اعلام می دارد: طرح مذکور در اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی این معاونت تحت بررسی است که تا پایان تیرماه آماده و رایحه خواهد گردید.

سید محمدعلی ابطحی

www.KetabFarsi.com

**بخش چهارم**

**جایگاه و صلاحیت قانونی نهادها**

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## نامه مشترک مسؤولان ستادی قوه قضاییه در مورد هیأت و پاسخ آن

بسمه تعالی

شماره ۲۰۹۹/۱۱

تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۵

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه مشترک مسؤولان قضایی و ستادی و رؤسای سازمانهای وابسته به قوه قضاییه کشور، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سریعاً در دستور بررسی قرار دهد و نتیجه را گزارش کند.»

سید محمدعلی ابطحی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و ادای احترام،

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوای حاکم بر کشور را مستقل و منفک از یکدیگر دانسته که البته این استقلال بدان معنا نیست که هیچیک از قوا هیچگونه نقش و تأثیری در دیگری نداشته باشد لیکن در اصول قانون اساسی صراحتاً نظارت و ورود قوه قضاییه بر قوای دیگر پیش بینی شده است از جمله در اصل ۹۲ قانون اساسی آمده است مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد... که نیمی از اعضاء این شورا با معرفی ریاست قوه قضاییه به مجلس تعیین می شود که از ابتدای تشکیل مجلس صلاحیت نمایندگان را همراه با ۶ فقیه شورا بررسی و سپس در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی اظهار نظر می کند. این حق نظارت قوه قضاییه بر مقننه است. در اصل ۱۷۲ قانون اساسی آمده است به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می گردد حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند که به موجب قوانین بعدی روشن و تعیین شده است و در اصل ۱۷۴ قانون اساسی آمده است: براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی بنام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند که به موجب قوانین بعدی تعیین شده است. در قانون اساسی وقتی هر قوه به تفکیک بیان می شود تنها کلمه استقلال برای قوه قضاییه بکار گرفته شده است و این استقلال در اصل ۱۵۶ به صراحت بیان شده است و استقلال در این جا فقط ناظر به تصمیمات و یا احکام قاضی و محاکم نیست بلکه گفته شده که قوه قضاییه قوای است مستقل که... و

این استقلال را نمی‌توان با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی مخدوش کرد چرا که در این اصل آمده است پس از مقام رهبری رییس‌جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. مگر قوه قضاییه مستقیماً به رهبری ارتباط ندارد؟ مگر در خود قانون اساسی نیامده است که تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان است؟ (اصل ۹۸) اگر به سوابق و مکاتبات مراجعه فرمایید شورای نگهبان در خصوص نحوه اجرای اصل ۱۱۳ صراحتاً اعلام نظر کرده که مسئولیت ریاست جمهوری در اجرای آن بخش از قانون اساسی که به ایشان مربوط می‌شود باید به موجب قانون تعیین شود. لیکن به نظر شورای نگهبان عمل نشده که مفسر قانون اساسی است و بدنبال مسموعات در خصوص مواردی راساً با اعزام بازرسیین به بدنه دستگاه قضایی بدون توجه به مقام علیه قضایی و ابزار نظارت به عملکرد قاضی یعنی دادسرای انتظامی قضات، دادگاه عالی انتظامی قضات و... اقدام می‌شود و کاری را که در انتها انجام شد یعنی ارجاع گزارش به ریاست محترم قوه قضاییه باید ابتدا صورت می‌گرفت یعنی ارجاع شکایت به قوه قضاییه آیا چنین اقدامی را نادیده گرفتن استقلال دستگاه قضایی و تضعیف آن نیست؟ آن هم در شروع مسئولیت خطیر ریاست جمهوری. آیا مجلس شورای اسلامی که در اصل ۹۰ قانون اساسی حق رسیدگی به شکایت علیه قوه مجریه و قضاییه را دارد غیر از ارجاع شکایت به قوه قضاییه و سوال از آن حق اعزام بازرسی را دارد؟ و یا اگر در نهایت لازم شد باید به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی باید عمل کند که رویه موجود همینطور هم هست. آیا از این وحدت ملاک نباید در اجرای اصل ۱۱۳ بهره گرفت اضافه می‌نماید تضعیف هر یک از قوا نه تنها نمی‌تواند باعث قوه دیگر باشد بلکه زیان آن یقیناً «دامنگیر قوای دیگر خواهد شد زمانی دستگاه اجرایی مقتدر و با صلابت خواهید داشت که در کنار آن دستگاه قضایی و تقنین نیز از اقتدار برخوردار باشد و اگر هر سه قوه به موازات یکدیگر و با سرعت و اهنکی همگون حرکت کنند در حقیقت کل نظام و مردم بهره‌مند خواهند بود در این جا قصد نداریم که بگوییم قوه قضاییه دارای نقاط برتر از دیگر قوا است لیکن این اصل در دنیای امروز پذیرفته شده که کشوری به دمکراسی نزدیکتر است که دارای دستگاه قضایی قوی و متناسب با آزادی‌های فردی و اجتماعی



باشد در طول تاریخ هر حکومت مستبدی که قصد ظلم و ستم بر ملتی را داشت ابتدا به سراغ دستگاه قضایی رفته و با خوار و ذلیل و یا فرمایشی کردن آن مقاصد شوم خود را اجراء می‌کرد، با نگاهی به وعده‌های انتخاباتی و یا برنامه‌های دولت حضرت‌عالی از جزیی‌ترین تا مهمترین آن کدامین را می‌توان بدون امنیت قضایی تصور موفقیت داشت آیا ملتی را سراغ دارید که در مهمترین امکانات رفاهی و پیشرفته‌ترین ابزارهای زیستی و بالاترین تولید و صادرات را در اقتصادی داشته و خود را بی‌نیاز از امنیت قضایی بدانند و یا بالعکس ملت مشتاق است گرسنه سر بر بالین بگذارد ولی در امنیت باشد.

متأسفانه با گذشت مدت کوتاهی از رویداد دوم خرداد و متعاقب آن تشکیل دولت همواره شاهد هجمه و اعمال و حرکاتی در جهت تضعیف این قوه هستیم. از آنجایی که این اقدامات و اعمال فراتر از تصمیم و نوشته چند روزنامه‌نویس بوده بلکه سازماندهی شده و با برنامه‌ریزی یک جریان سیاسی کشور است و افراد مختلف از وزراء و «وزیری که بخشی از وظایف‌اش مربوط به ضابطین دادگستری است به چه حقی از شأن مقام معظم ریاست قوه قضاییه سخن می‌گوید و یا وزیر دیگری از معظم له استفسار و یا استیضاح در خصوص آزادی مطبوعات می‌کند که آن‌هم با تیتراژ درشت در روزنامه آن‌چنانی می‌شود که ماهیت آن و مدیر مسئولش بر همگان آشکار است، تجری و... و... آقایان تا به این حد واقعاً جای بسی تعجب است».

تا روزنامه‌های طرفدار حضرت‌عالی از مشاغل عدیده لیکن در یک حرکت همسو و هم‌آواز با زبان‌های مختلف و با بهانه‌های متفاوت به آن دامن می‌زنند یک روز با زبان دفاع از آزادی قلم، روز دیگر دفاع از پرونده فلان ارگان و... آن‌چه مسلم است یک هدف را دنبال می‌کند و آن تضعیف دستگاه قضایی است و قضات سراسر کشور احساس ناامنی شغلی می‌نمایند. قوه قضاییه دستگاه سیاسی نیست بلکه همان‌طوری که در شرایط انتخاب بالاترین مقام آن آمده مدیر و مدبر، مجتهد آگاه و آشنا به مسایل قضایی تنها چیزی که نیامده سیاسی بودن است هرچند سوابق درخشان سیاسی و انقلابی ریاست قوه قضاییه بر احدی پوشیده نیست.

ریاست محترم جمهوری برآستی چه کسانی باید نسبت به قضای کشور بدگویی کنند جز خاطیان و مجرمان که این طبع کار است. متأسفانه گروه فوق‌التوصیف نیز عملاً

با آنان همراهند و هرچند قصد همکاری ندارند و از آنجایی که تصور ریاست قوه منهای دستگاه و یا بالعکس دستگاه قضایی بدون ریاست آن امری غیرقابل قبول است، علیهذا حرکات و اعمال آنان را متوجه تمامی قوه قضاییه می‌دانیم خدای را سپاسگزاریم که در حال حاضر قوه قضاییه در وضعیت مطلوب و مناسب است به خصوص که در رأس آن حضرت آیه‌الله یزدی شخصیتی که مقام عظمای ولایت معظم له را در اولین دوره با تشخیص شایستگی کامل و صفاتی برابر با نص صریح اصل ۱۵۷ قانون اساسی برگزیدند و با تمدید دوره دوم و با ملاحظه عملکرد پنجساله مهر تاییدی بر تصمیم ولایی خود نهادند.

ریاست محترم جمهوری دستگاه قضایی ارکان سیاسی نیست بلکه قودای است که کیفیت کار آن مشخص است آنچه در آن جاری است شاکی و مشتکی عنه خواهان و خواننده و مدعی علیه و بزد و مجازات است، لذا در چنین نهادی کلی‌گویی و سیاسی‌گویی روا نباشد و از صراحت و صداقت لهجه ریاست محترم قوه قضاییه باز هم خدا را شاکریم.

در پایان از حضرت عالی درخواست می‌کنیم که اگرچه در ابتدای این هجمه به دستگاه قضا در جریان نبودید، لیکن با ملاحظه و استحضار از اعمال آنان که همگی خود را وابسته به شما می‌دانند در بُعد سیاسی اقدام قاضی مبذول فرمایید. بدیهی است قوه قضاییه نسبت به حفظ حیثیت خود و تنبیه خاطیان به موقع اقدام خواهد کرد، رجاء واثق داریم که همکاری و همدلی دستگاه قضایی با دستگاه اجرایی کشور کماکان ادامه یافته و اعمال ناشایست عده‌ای باعث تفرقه و ایجاد دیواری در حدفاصل نگردد. توفیق حضرت عالی را از خداوند متعال خواهانیم.

مسئولان قضایی و ستادی و رؤسای سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه کشور

شماره ۵/۴۸۵-ق

تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

جناب آقای ابطحی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۷۷/۱/۲۵-۲۰۹۹/۱۱

نامه جمعی از مسؤولان قضایی و ستادی قوه قضاییه خطاب به ریاست محترم جمهوری ملاحظه و در جلسه هیأت مطرح شد، به نظر هیأت موردی برای پاسخگویی رییس جمهور به این نامه که ظاهراً با درج قسمتی از آن در مطبوعات بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی نیز از آن بعمل آمده وجود ندارد ولی برای روشن بودن ذهن ریاست محترم جمهوری و اطلاع خود ایشان برخی نکات را متذکر می‌گردد:

۱- در این نامه تأکید فراوان بر استقلال قوه قضاییه و لزوم اقتدار و تنزه ساخت آن قوه و متصدیان آن و نقش مهمی که تأمین امنیت قضایی در اداره صحیح امور کشور دارد بعمل آمده است. کبرای قضیه مسلماً مورد قبول است ولی استقلال قوه قضاییه و قاضی، بدین معنی است که اولاً عمل قضاوت و محاکمه به وسیله متصدیان قوای دیگر انجام نشود ثانیاً ترتیب امور بگونه‌ای باشد که قاضی مطمئن باشد بدون هیچ تهدید و نگرانی طبق قانون می‌تواند رسیدگی نموده و حکم صادر نماید. استقلال قضایی بدین معنی نیست که قاضی بدون رعایت موازین قانونی و رعایت حقوق متهم و اصحاب دعوی و بدون توجه به ضوابط و اصول قانون اساسی و قوانین عادی و به خصوص آیین دادرسی هرگونه تصمیمی می‌خواهد اتخاذ نماید و هیچ مرجعی هم حق اعتراض به این عملکرد نداشته باشد تأکید قانون اساسی بر اساس استقلال قوه قضاییه برای تأمین هرچه بیشتر عدالت و احقاقی حقوق افراد فارغ از اعمال نفوذ سایر قوا و به ویژه قوه مجریه است ولی به معنی استبداد و دیکتاتوری قضایی نیست اگر فرضاً گزارش‌هایی بحد شیاع برسد مبنی بر این‌که در دستگیری‌ها و رسیدگی‌های کیفری، تفهیم اتهام نمی‌شود، قرار بازداشت نامتناسب صادر می‌شود، فرصت دفاع کافی و استفاده از وکیل انتخابی خود به متهم داده نمی‌شود بر پایه اقرارهای ناشی از شکنجه مبادرت به صدور

حکم می‌گردد و امثال آن‌ها، چگونه متصور است رئیس‌جمهوری که به نص اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئول اجرای قانون اساسی است و به خاطر این وظیفه شاق در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۱۲۲ مسئول است؛ به حکم اصل ۱۲۱ در حضور نمایندگان مجلس و رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان سوگند یاد نموده پاسدار قانون اساسی و حامی آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای آن‌ها شناخته است، باشد، نتواند نسبت به این گزارشات توضیحی بخواهد، اختطاری بدهد و اعتراض بنماید و اگر اقدامی کرد حمل بر دخالت در قوه قضاییه و شکست حرمت و قداست آن بشود؟

بلی به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی نمی‌توان استقلال قوه قضاییه را مخدوش کرد ولی به اتکاء استقلال قوه قضاییه نیز نمی‌توان راد هرگونه اعتراض و اختطار و تذکر به تخلفات قانونی آن را بست و حتی رئیس‌جمهور هم نمی‌تواند به این بهانه خود را فارغ از مسؤلیت موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی بداند شورای نگهبان هم در نظر تفسیری مورخ ۵۹/۱۱/۱۸ خود در پاسخ به شورای عالی قضایی در خصوص اختطار اقدام خلاف قانون اساسی به قوه قضاییه اعلام نموده است که رئیس‌جمهور طبق اصل ۱۱۳ حق اختطار و تذکر دارد و این منافاتی با بند ۳ اصل ۱۵۶ یعنی وظیفه نظارت بر حسن اجرای قانون برای قوه قضاییه ندارد.

۲- گفته شده چون اعضاء حقوقدان شورای نگهبان به وسیله رئیس قوه قضاییه به مجلس معرفی و با رأی مجلس انتخاب می‌شوند و شورای نگهبان ممیزی قوانین مصوب مجلس را از لحاظ انطباق با موازین شرع و قانون اساسی بعهدد دارد، بنابراین قوه قضاییه حتی بر قوه مقننه نیز نظارت دارد و چنین قودای با چنین توانی نمی‌تواند اعمالش مورد بررسی و اختطار رئیس قوه مجریه قرار داشته باشد. بر کسی پوشیده نیست که حقوقدانان شورای نگهبان هرچند بلحاظ تشخیص صلاحیت مناسب دانسته شده که از سوی قوه قضاییه معرفی شوند ولی پس از انتخاب شدن به عنوان اعضاء شورای نگهبان که وجود استقلالی از قوه قضاییه و مجلس دارد طبق ضوابط قانون اساسی انجام وظیفه می‌کنند و از این حیث هیچ ارتباطی با قوه قضاییه ندارند و در مقام نمایندگان قوه قضاییه انجام وظیفه نمی‌نمایند.

۲- در ارتباط با اصل ۱۱۲ قانون اساسی گفته شده که تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان است و شورای نگهبان در خصوص نحوه اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی اعلام نظر کرده که مسؤولیت ریاست جمهوری در اجرای آن بخش از قانون اساسی که به ایشان مربوط است باید به موجب قانون تعیین شود ولی به نظر شورای نگهبان عمل نشده است، اولاً چنین نظری از شورای نگهبان دیده نشده و خوب بود متن نظر و مدرک آن ذکر می‌شد، ثانیاً آنچه تاکنون رییس‌جمهوری انجام داده و در مقام انجام آن در آینده است دقیقاً در اجرای قانونی است که در همین راستا از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسیده است. ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان ماه سال ۱۳۶۵ مقرر می‌دارد: به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی، رییس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤول اجرای قانون اساسی است. در این ماده قانونی به رییس‌جمهوری حق نظارت، کسب اطلاع و بازرسی داده شده است و در ذیل ماده با عنوان عام اقدامات لازم هرگونه اقدامی را در این جهت برای رییس‌جمهور مجاز دانسته است. کدامیک از اقداماتی که تاکنون از سوی رییس‌جمهوری در جهت پیگیری اجرای اصول قانون اساسی بعمل آمده خارج از شمول این موارد قانونی بوده است.

۴- در نامه بر تبعات ناخوشایند تضعیف دستگاه قضایی و نقش دستگاه قضایی نیرومند در تأمین امنیت جامعه و تضمین اجرای برنامه‌های اصلاحی دولت تأکید شده است که کبرای قضیه کاملاً درست است اما این معنی هم بر همگان واضح است که دستگاه قضایی نیرومندی که در چهارچوب ضوابط قانونی و با حفظ حرمت اصول قانون اساسی عمل کند ضامن اجرای حقوق مردم و حفظ اساس ملک و ملت است ولی اگر خدای نکرده خود در مقام اعمال این قدرت خارج از اصول قانون اساسی برآمد، به مصداق گفته معروف مولانا: از قضا سرکنگبین صفرا فزود، خود عامل بی‌ثباتی و از بین رفتن امنیت قضایی است.

قوه قضاییه و متصدیان و مسؤولان آن باید با درک صحیح از مفهوم استقلال قوه

قضاییه و قضات و مسئولیت بزرگی که در احقاق حقوق عامه و اجرای قانون بعهدہ آن‌ها گذاشته شده و عدم ورود در موضعگیری‌های سیاسی و نپرداختن به بیان مطالبی خارج از عرف قضاء و شأن قضاوت، به اجرای صحیح عدالت و رعایت دقیق اصول قانون اساسی و قوانین دیگر پردازند بگونه‌ای که موردی برای دغدغه خاطر رئیس‌جمهوری در جهت نقض و یا عدم رعایت اصول قانون اساسی و اقدامات ایشان طبق مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ قانون تعیین حدود و اختیارات و مسئولیت ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ پیش نیاید.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی